

## مقاله پژوهشی:

# طراحی الگوی آمایش امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران

داود عابدینی<sup>۱</sup> و محمود تشکری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۹

### چکیده

**هدف:** نوشتار حاضر به عنوان نخستین پژوهشی است که در ارتباط با طراحی مدل الگوی آمایش امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران به اجرا درآمده است. این پژوهش با هدف شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی طراحی گردید که بتوان توسط آن‌ها ملاحظات امنیت عمومی را در کشور مورد مداغه قرار داده و به‌عنوان راهنمایی برای ارتقای وضع موجود آمایش امنیت عمومی مورد استفاده واقع شود. همچنین الگوی طراحی شده که محصول مطالعه نظریه‌های داخلی و خارجی و همچنین داده‌های به‌دست آمده انحصاری خود است، با مدنظر قرار دادن آمایش امنیت عمومی در کشور، راهنمایی برای پژوهشگران کمی است که درصدد سنجش آمایش امنیت عمومی ایران هستند.

**روش تحقیق:** روش استفاده‌شده در این تحقیق تلفیقی<sup>۳</sup> است. به این معنا که برای طراحی مدل مفهومی، ضمن بهره‌جستن از نظریه‌های داخلی و خارجی، از روش بحث گروهی متمرکز که روشی کیفی است، استفاده شده است. در گام بعد، برای آزمون مدل طراحی‌شده، از روش دلفی (با حجم نمونه ۳۵ نفر از صاحب‌نظران حوزه آمایش و امنیت عمومی) و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده به کمک نرم‌افزار SPSS استفاده به عمل آمد.

**یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق نشان داد که از میان سه بعد نهایی در الگوی به‌دست‌آمده برای آمایش امنیت عمومی، بعد فعالیت دارای مطلوب‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌ها است. پس از آن، ابعاد انسان و جغرافیا به ترتیب دارای بالاترین میانگین به‌دست‌آمده و مطلوب‌ترین مؤلفه و شاخص بودند.

**نتایج:** یافته‌های تبیین‌شده در این پژوهش، بیانگر این واقعیت است که از دیدگاه صاحب‌نظران، در طراحی الگوی آمایش امنیت عمومی، عواملی همچون مدیریت، اقتصاد، علم و فرهنگ، جمعیت و اجتماعی شامل سرمایه اجتماعی و هویت جمعی، همگی بر سایر عوامل از جمله عوامل سیاسی و جغرافیایی مقدم هستند. هرچند که اهمیت آن‌ها نیز در طراحی الگوی پیش‌گفته به اثبات رسید.

**کلیدواژه‌ها:** الگو، آمایش، امنیت عمومی

۱. دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی [d.abedini@chmail.ir](mailto:d.abedini@chmail.ir)

۲. دکتری امنیت ملی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم نظامی

## مقدمه

ایران از جمله کشورهایی است که سازمان‌دهی سیاسی فضا در آن، ریشه تاریخی دارد تا آنجا که بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد اولین تجربه تقسیم فضای سرزمینی به عهد هخامنشیان برمی‌گردد که از همان زمان نیز بحث امنیت در تقسیم فضای سرزمین مورد توجه زمامداران بوده است و کارکرد اصلی تقسیمات کشوری و سازمان‌دهی سیاسی فضا، تمرکززدایی در اداره سرزمینی و سهولت در تحقق منافع ملی است. ولی وجود تهدیدات درونی و بیرونی برای هر جامعه و تأثیرگذاری آن بر مؤلفه‌های امنیت ملی به‌عنوان هدف پایدار و دائمی دولت‌ها، به کارکردهای امنیتی در مقابل سایر کارکردهای سازمان‌دهی سیاسی فضا جایگاه خاصی می‌بخشد. در حقیقت آمایش عبارت است از سازمان‌دهی مطلوب فضا برای نیل به اهداف و استراتژی‌های جامع ملی و در راستای تحقق آرمان‌های جامعه.

از آنجا که یکی از مهم‌ترین ضروریات لازم برای تحقق سند چشم‌انداز و هموارسازی مسیر توسعه پایدار، وجود امنیت در همه ابعاد در کشور بوده، بدین منظور این پژوهش سعی دارد تا الگوی مناسبی از آمایش عمومی را ارائه دهد.

هرچند تاکنون ادبیات آمایش به معنای موجز «چینش عالمانه مراکز و فعالیت‌ها» در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی تبدیل به گفتمان شده، لیکن آمایش سرزمینی با نگاه پرداختن به امنیت عمومی، موضوعی است که تاکنون مورد توجه نبوده است. از این رو است که در نظر گرفتن دستورالعمل‌ها و طرح‌های امنیتی با کمترین توجه به بافت محیطی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک منطقه به‌مثابه نسخه‌ای واحد برای آلام متفاوت، نه‌تنها تضمین‌کننده امنیت پایدار نبوده بلکه از فرصت‌های بی‌شمار مناطق برای نیل به این هدف اغماض کرده است. از این رو، این پژوهش تلاش خواهد کرد، با استفاده از روش‌های علمی و با مراجعه به آرای اندیشمندان و صاحب‌نظران، نسبت به طراحی الگوی آمایش امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید.

آمایش امنیت عمومی از آن نظر که به‌عنوان مرجع تنظیم دیدگاه درازمدت توسعه امنیت عمومی عمل می‌کند و مسیری برای راهبردهای توسعه امنیت عمومی ارائه می‌نماید حائز

اهمیت است. همچنین مکان‌یابی برای فعالیت‌های مشخص، فعالیت‌یابی برای مکان‌های مشخص و ارائه نظام مدیریت سرزمین - امنیت عمومی از دیگر کارکردهای آمایش امنیت عمومی است.

به نظر می‌رسد تاکنون در ایران الگوی مناسبی از آمایش سرزمین با دیدگاه امنیت عمومی ارائه نشده است. به همین منظور ضروری است تا الگویی طراحی شود تا بتواند با در نظر گرفتن مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر الگوی آمایش امنیت عمومی، سهم هر یک را در امنیت عمومی مشخص کرده و بتوان بر اساس نتایج حاصله نسبت به برنامه‌ریزی علمی و اجرایی برای ارتقای امنیت عمومی تلاش کرد. عدم توجه به این مهم می‌تواند هرگونه برنامه‌ریزی را با شکست مواجه نماید.

لذا با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان پرسید الگوی آمایش امنیت عمومی ج.ا.ا. کدام است؟ (دارای چه ویژگی‌های است؟)، روابط ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آمایش امنیت عمومی کدامند؟ رتبه‌بندی ابعاد آمایش امنیت عمومی چگونه است؟

## مبانی نظری

### امنیت عمومی

برخی صاحب‌نظران معتقدند که مفهوم امنیت عمومی، بر حفظ جان، مال و شئونات زندگی افراد و مقابله با جرائم و آسیب‌های اجتماعی و نیز برقراری نظم و قانون دلالت می‌کند. جامعه‌ای که در آن احساس امنیت و آرامش نداشته باشند و ضریب امنیت عمومی آن از یک سو به خاطر رشد جرائم، مانند سرقت، قتل، تبهکاری، مواد مخدر و... و از سوی دیگر به سبب آسیب‌های اجتماعی چون اعتیاد، خودکشی، بی‌نظمی و قانون‌گریزی و... کاهش یابد، فضای عمومی افراد دچار آشفتگی و پریشانی خواهد شد و دل‌مشغولی اصلی آن‌ها مصون ماندن از چنین خطراتی است؛ زیرا افزایش جرائم اجتماعی، زندگی را برای آحاد جامعه غیر قابل پذیرش می‌کند (شفیعی، ۱۳۸۵).

به عبارت دیگر، سطح «امنیت عمومی» در حوزه استحفاظی پلیس قرار دارد که ناظر بر روابط، حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی افراد جامعه با یکدیگر، با گروه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی است. در واقع امنیت عمومی بستر و زمینه‌ساز امنیت داخلی و امنیت ملی است.

باید دانست که امنیت عمومی، فراگیرترین سطح از امنیت داخلی است و می‌تواند بسیاری از ارکان و عناصر امنیت داخلی را در برگیرد. اگر بتوانیم ملاک فراگیری را در تعریف امنیت عمومی به‌عنوان ملاک محوری و قانونی فرض کنیم، در برخی موارد می‌توانیم آن را با برخی از سطوح امنیت مقایسه کنیم. برای مثال، امنیت زیست‌محیطی که امروزه یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی است، به علت فراگیری می‌تواند در بسیاری از موارد از عناصر و ارکان ذکرشده در امنیت عمومی باشد. با این حال، برای پیشرفت در بحث باید متذکر شویم که امنیت عمومی به‌عنوان دربرگیرنده این سطوح از امنیت پذیرفته شده است، اما باید دانست که تحقق این امنیت در گرو تلاش جمعی نهادها، سازمان‌ها و جمعیت‌های مختلف و همگن مردم است و هرگز نمی‌توان آن را به‌طور کلی از وظایف یک سازمان برشمرد. پس بهتر آن است که در یک تقسیم‌بندی و سطح‌بندی با ملاک صحیح، سهم هر یک از سازمان‌های ذیربط در امنیت عمومی را تشخیص دهیم و آن بخش از امنیت را بر عهده سازمان خاص و ویژه آن قرار دهیم.

امنیت عمومی دارای ماهیت چندوجهی بوده و از مؤلفه‌های اقتصادی، محیط زیست و منابع، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی تشکیل شده که چهار مؤلفه فوق‌ناظر بر چهار وجه معیشتی، محیطی، جامعه‌ای و حکومتی است که احراز شرایط حداقلی در هر یک از موضوعات مذکور باعث تأمین امنیت عمومی می‌شود و نابسامانی یا عدم مدیریت در این حوزه‌ها، باعث ایجاد مسائل حل‌نشده می‌شود. مسلماً در این چارچوب، ایجاد سازوکار مناسب برای امنیت عمومی بر عهده حاکمیت است (هزارجریبی: ۱۳۸۵).

وضعیتی است که ضمن حفظ و حراست از ارزش‌های اساسی و هنجارهای جامعه، عموم مردم از هرگونه تعرض و تهدیدی نسبت به جان، مال، ناموس و عرض خود در امان بوده و در

خصوص رعایت حمایت از حقوق و دفاع مشروع خود از طرف سایر بازیگران (افراد، گروه‌ها، نهادها و دولت‌ها) اطمینان خاطر داشته و احساس آرامش کنند (ذوالفقاری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

## آمایش سرزمین

اصطلاح آمایش سرزمین از ریشه آمودن به معنای آباد کردن گرفته شده است. گرچه برخی از نویسندگان اصطلاح برنامه‌ریزی فضایی را معادل آمایش سرزمین گرفته‌اند، ولی باید دانست مفهوم آمایش سرزمین دربرگیرنده تنظیم روابط بین سه عنصر اساسی انسان، فضای جغرافیایی و فعالیت‌های انسان در فضا، به‌منظور بهره‌برداری منطقی از همه امکانات مادی و معنوی برای تحصیل اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است.

آمایش سرزمین تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضای جغرافیایی و مجموعه‌ای از دانش‌ها، فنون، اصول، سیاست‌ها، برنامه‌ها، اقدامات و عملیات هماهنگ و منسجمی است که به‌منظور ساماندهی و نظم بخشیدن به فضاها و مکان‌های زیستی و جغرافیایی (طبیعی و غیر طبیعی) به کار گرفته می‌شود (محمودی، ۱۳۸۸) موضوع آمایش، بعد از جنگ جهانی دوم و در کشور فرانسه مطرح گردید. اندیشه آمایش سرزمینی در کشور فرانسه و با مشاهده و بروز عدم تعادل در توزیع جغرافیایی جمعیت، فعالیت و خدمات و هم‌زمان با پیدایش تفکر برنامه‌ریزی شهری به‌منظور بازسازی کشور پس از پایان جنگ جهانی دوم ظهور کرده است (عسکری، ۱۳۸۵: ۸۶).

مفهوم آمایش سرزمین در دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی وارد ادبیات اقتصادی و اجتماعی ناظر بر توسعه در ایران شد. به‌رغم گذشت بیش از نیم‌قرن از آغاز آمایش سرزمین در ایران، تاکنون برنامه‌های امنیتی متناسب با تحولات اجتماعی و امنیتی مورد توجه قرار نگرفته است. با پیروزی انقلاب اسلامی، آمایش سرزمین در دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی با عنوان «طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران» در دستور کار قرار گرفت. در قانون برنامه چهارم توسعه، دولت مکلف به توزیع متناسب جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین شده است.

به نظر می‌رسد که چون هدف اصلی و نهایی هرگونه مطالعه، آمایش، تشخیص و تعیین مشکلات زیست‌انسانی و مسائل مدیریت زیست‌محیطی و طراحی و پیشنهاد راه‌حل‌های مناسب با آن است، مطالعات آمایشی نمی‌تواند به دور از وظیفه برنامه‌ریزی و ارائه پیشنهادها و سیاست‌های مطلوب باشد و در این صورت، در نهایت مطالعات آمایش به سندی می‌انجامد که در آن نظم نوینی از سازمان‌دهی منابع طبیعی و فعالیت‌های انسانی بر پهنه زمین آشکار می‌شود؛ بنابراین آمایش سرزمین در مرحله برنامه‌ریزی و پیشنهاد سیاست‌های مطلوب به سازمان‌دهی منطقی و معتدل فضای موجود حیاتی برای هرگونه تجمع انسانی می‌پردازد.

در سال‌های اخیر، با توجه به تحولات اساسی که در مورد مفهوم فضا صورت گرفته است، مفاهیم مربوط به آمایش سرزمین دگرگون شده است. بسط مفهوم فضا که به‌طور عمده در یک دهه اخیر و از جمله در تداوم کارهای «مانوئل ماستلز» و «دیوید هاروی» صورت گرفته است، باعث شده، مفهوم ایستایی خود را که حفاظت محیط زیست برای بیش از یک دهه به آن داده بود، از دست داده و امروز مفهوم پویایی بیابد که به این صورت فضا را می‌توان تولید و مبادله کرد و از تولید و مبادله آن، ارزش افزوده به دست آورد (هاروی، ۱۳۸۷: ۴۳ و Castells, ۲۰۰۹: ۴۲۹).

### شاخص‌های امنیتی در آمایش

برای بررسی چگونگی تأثیرگذاری الگوی آمایش بر ایجاد امنیت یا برعکس آن، یعنی تأثیرگذاری اقداماتی که در رابطه با ایجاد امنیت لازم است، می‌بایست شاخص‌های امنیت را مورد مطالعه قرار دهیم و وضعیت آن را تعیین کنیم.

مهم‌ترین شاخص‌های امنیتی که بر اساس اطلاعاتی که در کشور جمع‌آوری می‌شود می‌توان تعیین و محاسبه کرد و جداول آن را تشکیل داد عبارت‌اند از:

- الف - میزان خسارت انسانی و مالی ناشی از وقوع زلزله در مقابل جمعیت متأثر از آن.
- ب - میزان خسارت انسانی و مالی ناشی از وقوع سیل و یا حوادث طبیعی دیگر در مقابل جمعیت متأثر از آن.

ج - میزان خسارت‌های ناشی از حوادث حمل‌ونقل جاده‌ای، هوایی یا دریایی نسبت به جمعیت در یک سال.

د - میزان خسارت‌های ناشی از حوادث بشری مانند آتش‌سوزی، غرق و مانند آن نسبت به جمعیت استان.

ه - میزان خسارت‌های ناشی از تهدیدات اقتصادی نسبت به اقتصاد یا جمعیت کشور.  
و - میزان خسارت‌های ناشی از انواع تهدیدات دیگر طبیعی و زیست‌محیطی در مقابل جمعیت متأثر از آن.

ز - تعداد موارد مبادلات اقتصادی غیر قانونی نسبت به جمعیت یا حجم فعالیت‌های اقتصادی در یک سال.

ح - میزان اعتیاد و قاچاق مواد مخدر نسبت به جمعیت کشور یا مناطق در یک سال.  
ط - میزان اسلحه غیر مجاز کشف‌شده در مناطق یا استان‌ها، نسبت به جمعیت آن‌ها در یک سال.

ی - میزان تردد غیر قانونی در مرز نسبت به جمعیت کشور.  
ک - میزان خسارت ناشی از جنگ یا حوادث مربوط به تهدیدات نظامی نسبت به اقتصاد یا جمعیت کشور.

ل - میزان خسارت ناشی از عملیات تروریستی و ناامنی نسبت به جمعیت کشور.  
م - میزان جرم و جنایت: تعداد موارد جرم و جنایت در یک سال در مقابل جمعیت همان سال.

ن - میزان اعمال منافی امنیت: تعداد موارد (مانند خرابکاری، جاسوسی، بمب‌گذاری و...) نسبت به جمعیت در یک سال.

س - میزان تشکیل پرونده‌های دادگستری نسبت به جمعیت کشور یا مناطق در یک سال.

ع - تعداد زندانیان کشور یا مناطق نسبت به جمعیت کشور یا مناطق در یک سال.

ف - تعداد زنان سرپرست خانوار نسبت به جمعیت مناطق یا استان‌ها در یک سال (مرکز

## سیاست‌های کلی آمایش سرزمین ابلاغی مقام معظم رهبری (۱۳۹۰/۰۹/۲۱)

### الف. توسعه منابع انسانی به‌عنوان رکن اصلی آمایش سرزمین از طریق:

۱. تربیت انسان‌های سالم، بانگیزه، شاداب، متدین، وطن‌دوست، جمع‌گرا، نظم‌پذیر و قانون‌گرا.
۲. ارتقای سطح آموزش، پژوهش و بهره‌وری نیروی کار در جهت افزایش سهم منابع انسانی در ترکیب عوامل مؤثر در تولید ثروت ملی.
۳. برقراری تناسب کمی و کیفی جمعیت و استقرار متعادل آن در پهنه سرزمین و تعمیم و گسترش شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی.
۴. بهبود شاخص‌های توسعه انسانی با تأکید بر تدین، شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها، گسترش سلامت و ارتقای سطح دانش عمومی.

### ب. توجه به یکپارچگی ملی و سرزمینی و تقویت هویت اسلامی - ایرانی و

#### مدیریت سرزمین از طریق:

۱. استفاده مؤثر از موقعیت، میراث تاریخی و جاذبه‌های فرهنگی و طبیعی کشور در مسیر اهداف توسعه، تقویت گردشگری و حفاظت از سوابق تاریخی.
۲. تنظیم اثربخش رابطه دولت و مردم و افزایش سازمان‌یافته سهم مردم در امور کشور با توجه به سیاست‌های کلی مصوب در بخش «وحدت و همبستگی ملی»، «امنیت ملی» و «اقوام و مذاهب».
۳. تعامل سازنده میان ارزش‌ها و مزیت‌های مناطق گوناگون کشور با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و انگیزه‌های ملی و اقدام در جهت تفویض اختیارات مناسب قانونی به سطوح منطقه‌ای و محلی با رعایت تمرکز امور سیاست‌گذاری و حاکمیتی.

### ج. ارتقای کارایی و بازدهی اقتصادی و تسهیل روابط درونی و بیرونی اقتصاد

#### کشور با:

۱. تقسیم کار ملی با توجه به استعدادهای طبیعی و خلق مزیت‌های جدید در مناطق مختلف کشور.

۲. هم‌افزایی مزیت‌های کشور، نوسازی بخش کشاورزی متناسب با منابع تولید و پهنه‌بندی اقلیمی، اصلاح و تکمیل زنجیره‌های تولید صنعتی، سازمان‌دهی بخش خدمات نوین و تولید کالا و خدمات دانش‌پایه.

۳. فراهم آوردن زمینه‌های مناسب مدیریتی و زیربنایی در مناطق مختلف و ارتقای مستمر سطح شاخص بهره‌وری ملی و افزایش سهم منابع انسانی در تولید ثروت ملی متناسب با استعداد مناطق کشور.

### د. دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای متناسب با قابلیت‌ها و توان‌های هر منطقه با توجه

#### به نکات زیر:

۱. ایجاد امکانات عادلانه و فرصت‌های برابر و رفع تبعیض ناروا در مناطق کشور.
۲. تعیین نقش ملی و فرامرزی مناطق مختلف کشور برای رسیدن به تعادل‌های منطقه‌ای و تقویت وحدت و یکپارچگی ملی.
۳. فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای افزایش سهم جمعیت و فعالیت در مناطق کم‌تراکم با اولویت مناطق شرقی و جنوبی کشور.

### ه. سامان‌بخشی فضای مناسب مراکز زیست و فعالیت به‌ویژه در مناطق مرزی با

#### تأکید بر مشارکت مؤثر مردم با:

۱. ساماندهی، مدیریت کلان و نظارت مستمر بر پیشرفت و آبادانی کشور با ایجاد شبکه به‌هم‌پیوسته مناطق اسکان و فعالیت‌های ملی و تعریف نقش و کارکرد فراملی هر یک از آن‌ها در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز و اصول آمایش سرزمین.

۲. تقویت هدفمند عوامل پیشرفت و آبادانی در مناطق حساس و ویژه با توجه به ملاحظات دفاعی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی و افزایش نقش و فعالیت مردم در فرآیند توسعه.

۳. توسعه هماهنگی جزایر و سواحل جنوب و شمال کشور با بهره‌گیری از ظرفیت استان‌های هم‌جوار، موقعیت جغرافیایی، زیربنای اساسی، منابع دریایی و نفت و گاز و استقرار صنایع مرتبط، پشتیبان و انرژی‌بر و توسعه بازرگانی، گردشگری، آموزش عالی، فنی-حرفه‌ای و تحقیقات با تقویت تعامل فراملی (طی ده سال در قالب دو برنامه پنج‌ساله).

۴. توسعه هماهنگ مناطق مرزی در شرق و غرب کشور با تقویت امور زیربنایی و بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی جهت توسعه ظرفیت ملی گردشگری، آموزشی، بازرگانی و تعامل فرامرزی.

**و. رعایت ملاحظات امنیتی و دفاعی در استقرار جمعیت و فعالیت در سرزمین با تکیه بر:**

۱. انتخاب مکان‌های مناسب و استقرار مراکز زیست و فعالیت و همچنین مراکز حیاتی و حساس، متناسب با ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی به‌ویژه امنیتی و پدافند غیر عامل.

۲. ارتقای فعالیت‌های توسعه‌ای ملی و استانی در مناطق مرزی با اعطای مشوق‌های اقتصادی و تقویت زیربناها و استقرار مناسب جمعیت و تقویت نیروهای نظامی و انتظامی متناسب با تهدیدات.

۳. ساماندهی سطوح خدمات و استقرار جمعیت در کشور با توجه به مدیریت سوانح طبیعی، حوادث و منابع آب و رعایت شرایط زمین‌شناسی جهت افزایش ضریب ایمنی تأسیسات زیربنایی و حیاتی و ابنیه مراکز جمعیتی و شهرها و روستاها.

۴. تقویت همگرایی، یکپارچگی ملی، وحدت و پیوندهای اجتماعی با ارتقای سطح توسعه‌یافتگی مناطق مختلف کشور و ایجاد قطب‌ها و کانون‌های توسعه.

۵. پیشگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به مراکز استان‌ها با تدابیر لازم.

ز. استفاده از موقعیت ممتاز جغرافیایی در جهت کسب جایگاه شایسته منطقه‌ای و

جهانی از طریق:

۱. تعامل و همکاری با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه حوزه تمدن ایرانی - اسلامی با تقویت نقش‌آفرینی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی کشور در جهت تأمین منافع ملی یا مشترک.
۲. تقویت شبکه ریلی و راه‌های ارتباطی اصلی و شریانی سرزمین و تبدیل کشور به مرکز عبور و مرور هوایی منطقه برای ترانزیت کالا و مسافر و نیز ایفای نقش مرکزیت مبادله انرژی (نفت، گاز، برق) و مخابرات در منطقه به‌منظور حفظ امنیت و منافع ملی.
۳. جلب مشارکت کشورهای منطقه در طراحی، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مشترک در زمینه‌های مختلف به‌ویژه اقتصادی و زیربنایی در جهت تأمین منافع مشترک منطقه‌ای.
۴. ایجاد و تقویت نهادها و تشکل‌های منطقه‌ای در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه علمی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی با بهره‌گیری از عناصر هویت ایرانی - اسلامی.
۵. انتخاب تعدادی از کلان‌شهرها، بندرها و جزایر مستعد کشور و تجهیز آن‌ها به خدمات پیشرفته ارتباطی و اطلاعاتی برای پذیرش نقش فراملی.
۶. ایفای نقش محوری در تعاملات علمی - فنی با منطقه و سایر کشورها با صدور خدمات فنی، مهندسی و آموزشی.

ح. حفظ، احیا و بهره‌وری بهینه از سرمایه‌ها، منابع طبیعی تجدیدشونده و حفظ محیط زیست در طرح‌های توسعه.

ضرورت آمایش سرزمین در ایران

به نظر می‌رسد می‌بایست الگوی توسعه با توجه به شرایط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف انتخاب‌شده و در نظام برنامه‌ریزی کشور به برنامه‌ریزی فضایی و در زمینه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، به دوری از برنامه‌ریزی بخشی بیشتر توجه شود. به بیان دیگر، با آنچه در برنامه‌های توسعه گذشته تحقق‌یافته، ضروری است تا جهت کاهش تفاوت‌های

استانی توسعه‌یافتگی فرهنگی به برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و دوری از برنامه‌ریزی بخشی و پیروی از سیاست‌های متعادل و متوازن در ایجاد فرصت‌های برابر برای تمام مناطق و استان‌ها روی آورده شود. بدیهی خواهد بود که در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای باید به استان‌های محروم و کمتر توسعه‌یافته بیشترین توجه صورت گیرد. برنامه‌ریزی منطقه‌ای کشور بر اساس معیارها و شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی که از قابلیت‌ها و تنگناهای هر منطقه ناشی می‌شود، به نقش و عملکرد آتی هر منطقه و استان می‌پردازد. از این نقطه‌نظر استان‌ها و مناطق کشور با سه عملکرد فراملی، ملی - منطقه‌ای و استانی تفکیک و مشخص می‌شوند. پیشنهاد عملکردهای تخصصی مناطق مختلف برای افق ۱۴۰۴ هجری شمسی بر اساس معیارهای ذیل صورت گرفته است:

### ۱. مناطقی با عملکرد اجتماعی و فرهنگی فراملی

الف) پیشینه تاریخی - فرهنگی

ب) خاستگاه تمدن‌های کهن بوده و از نمادهای مرکزیت فرهنگی برخوردار باشد.

ج) برخوردار از امکانات و فرآوردهایی فرهنگی که توان پوشش جوامع دیگر را داشته باشد.

د) برخورداری از معیارهای زبان، مذهب و قومیت که فصولی مشترکی با جوامع دیگر داشته باشند.

ه) جایگاه جغرافیای فرهنگی که برای نقش‌های فراملی کلیدی است.

و) تحولات ژئوپولیتیک منطقه‌ای و جهانی - برخورداری از زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، سازمان‌های غیردولتی.

### ۲. مراکزی با عملکرد اجتماعی و فرهنگی ملی - منطقه‌ای:

الف) برخوردار از امکانات و فرآوردهایی فرهنگی که توان پوشش ملی و منطقه‌ای

داشته باشند.

- ب) وضعیت مناطق محروم پیرامونی.
- ج) مرکزیتی از فرآورده‌های سنتی - فرهنگی برای استان‌ها و مناطق دیگر.
- د) برخورداری از معیارهای زبان، مذهب و قومیت که فصول مشترکی با استان‌های هم‌جوار داشته باشند.

### ۳. مراکزی با عملکرد اجتماعی و فرهنگی استانی:

- الف) عدم برخورداری از شرایط مذکور در مناطقی با عملکرد فراملی و ملی - منطقه‌ای
- ب) بحرانی بودن اوضاع اجتماعی
- ج) آسیب‌های اجتماعی و میزان بزه‌کاری و باندهای غیرقانونی
- د) عدم کفایت امکانات فرهنگی برای مردم استان

### آمایش سرزمین در سند چشم‌انداز

در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی نیز در خصوص آمایش سرزمین مواردی ذکر گردیده است که اهمیت جدی مسئله را نمایان می‌سازد. پیگیری آمایش سرزمین مبتنی بر اصول ذیل در این سند مطرح شده است. این موارد می‌توانند به‌عنوان رسالت آمایشی سرزمین مطرح شوند. ملاحظات امنیتی و دفاعی، کارایی و بازدهی اقتصادی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی، حفظ هویت اسلامی - ایرانی و حراست از میراث فرهنگی، تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور و رفع محرومیت‌ها خصوصاً در مناطق روستایی کشور از جمله موارد ذکر شده در این بخش است. نتیجه نهایی آنکه حصول نتایج فوق در اهمیت قائل شدن و سرلوحه قرار دادن آمایش سرزمین در تدوین برنامه‌ریزی توسعه کشور است و این امر منجر به تأمین منافع ملی و حفظ امنیت ملی در یک زیرساخت محکم و پایدار خواهد شد.

## اصول مطلوب آمایش سرزمین در زمین امنیت

ناگفته پیداست که بدون برنامه‌ریزی فضایی (آمایش سرزمین) ابزار حرکت و هدایت آگاهانه به سوی توسعه موزون و تعادل‌های منطقه‌ای وجود ندارد و در واقع طرح آمایش سرزمین، سیمای توسعه آتی کشور را تصویر کرده و تخصیص منابع به تناسب تخصیص فضای توسعه و انتخاب قابلیت‌های سرزمین را مشخص و دستاوردهای برنامه‌ریزی جامع توسعه را در پهنه کشور سازمان‌دهی و هماهنگ می‌کند. همچنین لازمه استفاده بهینه از فضا، استقرار منظم پدیده‌ها در فضا است تا در مجموع، فضا نظام داشته و به صورت هماهنگ و با حداکثر ظرفیت و کارایی اقتصادی عمل کند. پیداست که ایجاد نظام فضایی، خود قابلیت‌های جدیدی را به وجود می‌آورد. قابلیت‌های فضا، علاوه بر قابلیت‌های درونی (ناشی از توان عناصر متشکله درون فضا و عملکرد آن‌ها) قابلیت‌های بیرونی (ناشی از توان‌های فضاهای مجاور و اثرات آن‌ها بر یکدیگر) را نیز شامل می‌شود (خانی، ۱۳۷۱: ۹۹-۱۱۲)؛ لذا جهت تبیین دقیق آمایش سرزمین در چارچوب زمین امنیت باید بر مواردی همچون اصل پاسخگو بودن، اصل بازدارندگی، اصل عدم تمرکز (تمرکززدایی)، اصل انعطاف‌پذیری، اصل هماهنگی و تناسب و توسعه متوازن، اصل تسهیل در پشتیبانی و ارتباطات، اصل پدافند غیرعامل و اصل ارزش نهادن به عامل انسانی (سند مرکز ملی آمایش) اشاره کرد.

## نظریه‌ها و دیدگاه‌های عام آمایش در جهان

### نظریه‌های غربی (کشورهای صنعتی سرمایه‌دار)

#### الف. نظریه واقع‌گرایی

نظریه‌پردازی غربی در عرصه روابط بین‌الملل، به‌طور عمده با اندیشه‌های قدرتمدارانه مورگنتاو<sup>۱</sup> که به نظریه رئالیسم (واقع‌گرایی) نام گرفته است در سال‌های اولیه بعد از جنگ جهانی دوم به دستاوردهای قابل توجهی دست یافت. در حقیقت دیدگاه‌های وی که بر

رویکرد آرمانی مبتنی بر قدرت نظامی و با تأکید مفرط بر نگرش امنیت - قدرت استوار بود به‌عنوان چارچوبی کارآمد و قابل استفاده مورد توجه استراتژیست‌های غربی قرار گرفت.

«بر اساس نظریه واقع‌گرایی، امنیت یک کشور به معنای توانایی نظامی آن برای دفع حمله یا دفاع موفقیت‌آمیز از حریم خود، تلقی می‌گردد. به کلام دیگر، در این سویه برخورد با مفهوم امنیت ملی، فرض بر این بود که بدون توانایی ملی برای حصول اطمینان نسبت به بقای کشور، تمامی اهداف و ارزش‌های دیگر در معرض تهدید قرار خواهند داشت و برای دفاع از ارزش‌های کلی در مقابل تهاجم خارجی راهی غیر از افزایش قدرت نظامی وجود ندارد. بدین ترتیب در چارچوب این تفکر، امنیت متغیری وابسته به قدرت ملی پنداشته می‌شود و در همین رابطه قدرت ملی نیز جوهره و قابلیت اساسی خود را تنها از توانایی نظامی کسب می‌کند» (افروغ، ۱۳۷۶: ۸۵).

«نظریه واقع‌گرایی ضمن تبیین مبانی ذاتی شرارت و قدرت‌طلبی در وجود انسان‌ها بر این نکته تصریح دارد که تلاش برای کسب قدرت قاعده‌ای است کلی که تمام افراد و همه سیاست‌ها را در برمی‌گیرد و به همین دلیل باید فقط در عرصه‌های «حفظ قدرت» و «نمایش قدرت» به سیاست‌گذاری پرداخت. بدین ترتیب بر اساس این مکتب جنگ در صحنه بین‌المللی غیر قابل اجتناب می‌باشد، چه آنکه کوشش برای کسب قدرت نیز امری طبیعی و غیر قابل اجتناب است».

به این ترتیب می‌توان مشخصات و شاخص‌های عمده این دیدگاه را به شرح زیر بیان داشت: (سیف‌زاده، ۱۳۷۰: ۶۴) (دوثرتی و فالتگراف، ۱۳۷۲)

(۱) در میان بازیگران فعال نظام بین‌الملل (از قبیل سازمان‌های بین‌المللی، اتحادیه‌های منطقه‌ای، جنبش‌های استقلال‌طلبانه و ...) دولت‌های ملی مهم‌ترین بازیگر محسوب می‌شوند.

(۲) بر اساس این نظریه، باید تفکیک کاملی بین سیاست داخلی و سیاست خارجی دولت‌ها در نظام بین‌الملل قائل بود (برخلاف نظریه‌هایی که معتقد به ارتباط متقابل این دو هستند).

(۳) بر اساس این نظریه، جامعه داخلی کشورها تحت امر یک «قدرت برتر» (دولت) قرار دارد که این قدرت عالی‌ترین مرجع اعمال اقتدار و سیاست‌گذاری داخلی محسوب می‌شود. در حالی که در جامعه جهانی به دلیل فقدان «قدرت برتر»، عملاً روابط میان کشورها بر اساس تراضی (رضایت متقابل) شکل می‌گیرد.

(۴) این نظریه معتقد است نظام بین‌الملل، نظامی است «سلسله‌مراتبی» که میزان برخورداری از قدرت نظامی تعیین‌کننده جایگاه کشورها در این نظام سلسله‌مراتبی می‌باشد.

(۵) عامل قدرت نظامی (زور) و امنیت ناشی از اعمال این قدرت، ابزار تأثیرگذار در کاربردهای سیاسی میان کشورها محسوب و در میان مجموعه موضوعات مربوط به سیاست جهانی در اولویت قرار دارد.

#### ب. دیدگاه امنیت - توسعه

در چارچوب نظریاتی که در زمینه برخورد با آسیب‌پذیری‌های داخلی و چگونگی بسیج قابلیت‌های کاهش ضریب آسیب‌پذیر امنیتی مطرح شده است، نظریه توسعه‌محور می‌باشد. این دیدگاه که در دهه ۱۹۶۰ میلادی مطرح شد، به‌طور عمده بر مقوله‌های اقتصادی و غیر استراتژیک (نظامی) مبتنی است و به‌طور عمده با نام «مک نامارا» وزیر امور خارجه آمریکا در زمان ریاست جمهوری کندی، همراه گشته است. وی تعریف کلاسیک از امنیت را به باد انتقاد گرفته و استدلال کرد که منابع تأمین سطح مطلوب برای دولت آمریکا، در کنار متغیرهای نظامی، باید از طریق توجه و تأکید بر مؤلفه‌های رشد اقتصادی و سیاسی، چه در داخل آمریکا و چه در کشورهای در حال توسعه، تأمین شود. به سخن دیگر، به‌زعم مک نامارا جوهر و ذات امنیت «پیشرفت» می‌باشد، به نحوی که همگام با توسعه و ترقی این مفهوم، می‌توان شاهد تقویت و توسعه امنیت بود. به این ترتیب در نظر وی، جامعه‌ای که فاقد سطح توسعه‌یافتگی مطلوبی باشد، دائماً در معرض بروز بحران‌های ناشی از ناامنی قرار دارد، چون که پیامدهای ناشی از ناامنی اقتصادی و فقر، یعنی بی‌اعتمادی، تشنج داخلی و خشونت، به‌طور مستقیم در جامعه انعکاس می‌یابد (Namara, ۱۹۶۸).

به این ترتیب نکات اصلی و شاخص‌های کلی این دیدگاه را می‌توان چنین خلاصه نمود:

(۱) تأمین امنیت ملی، فراتر از ابزارهای نظامی و قابلیت‌های جنگاورانه، نیازمند توجه به عوامل غیرنظامی نیز می‌باشد.

(۲) عامل توسعه و رشد اقتصادی، نقش بسیار مهمی در تأمین امنیت ملی، در کنار عوامل نظامی ایفا می‌نماید.

(۳) رشد اقتصادی از طریق ایجاد حداقل استانداردهای رفاه ملی، (با وجود برخورداری کشور از قابلیت‌های پیشرفته نظامی) جامعه را از بسیاری از آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات امنیتی مصونیت می‌بخشد.

#### پ. دیدگاه چندسویه‌نگر (امنیت همه‌جانبه)

با توجه به تحولات نظام بین‌الملل مشخص می‌شود که صرف تأکید بر نگرش‌های مقطعی و تک‌بعدی امنیتی به‌تنهایی قادر به ارائه تبیینی سازنده و راهگشا که دربرگیرنده تمامی ابعاد امنیتی باشد، نخواهد بود، چون که هر یک از رهیافت‌های مذکور تنها به بخشی از الگوهای آرمانی و رفتاری جوامع ملی توجه دارند. در صورتی که پیچیدگی و چندلایگی ساختاری، کارکردی و رفتاری جوامع امروز اقتضا می‌نماید که «طراحی بزرگ» که از خصیصه چندسویه‌نگری<sup>۱</sup> لازم نیز برخوردار باشد، به‌عنوان ابزار تحلیلی لازم برای ارائه ارزیابی دقیقی از مؤلفه‌های امنیتی جوامع ملی مطرح شود.

یکی از افرادی که با طراحی خاص به این رویکرد نسبت به مقوله امنیت ملی توجه کرده است، برژنیسکی می‌باشد. او در این رابطه بیان می‌دارد که:

«منظور من از امنیت ملی، معنی محدود آن، یعنی امنیت نظامی صرف نیست، گرچه قدرت نظامی یکی از ابعاد مهم رقابت تاریخی آمریکا و شوروی است. ولی معتقدم که امنیت ملی، ملاحظات بیشتری را در برمی‌گیرد. از جمله زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی،

نوآوری فناوریانه، حیات ایدئولوژیکی و غیره. تلاش برای نیل به امنیت ملی بدون عنایت به چنین ملاحظاتاتی چندان مؤثر نخواهد بود و احتمالاً به شکست می‌انجامد» (برژینسکی، ۱۳۶۹). در همین رابطه می‌توان به دیدگاه‌های «رابرت ماندل» نیز اشاره کرد. وی در بیان حوزه امنیت ملی، بیان می‌دارد که: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند» (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۱).

### دیدگاه‌های نظریه پردازان بلوک شرق:

از آنجا که دیدگاه‌های کشورهای وابسته به بلوک شرق (سابق) در دوران جنگ سرد به شدت متأثر از آرمان‌های امنیتی شوروی (سابق) است، لذا در این قسمت تنها به فرآیند تحول و تغییر در نگرش «کرم‌لین» نسبت به مقوله امنیت ملی می‌پردازیم. در ابتدای پیروزی انقلاب بلشویکی در شوروی، در نظر رهبریت انقلاب، حفظ نظام کمونیستی و ایجاد حکومت کارگری در سطح جهان، مهم‌ترین اولویت امنیتی محسوب شد. ضرورت حفظ این ارتباط متقابل میان حوزه‌های داخلی و خارجی امنیت (که در مجموع فضای واحدی از امنیت مورد نظر را شکل می‌داد) تا بدان حد بود که لنین در چارچوب پذیرش قرارداد برست لیتوفسک<sup>۱</sup> (۱۹۱۸ م)، با از دست دادن یک‌چهارم از خاک اروپایی روسیه که محصول دهه‌های متمادی مساعی تزارهای روسی بود، به آلمان موافقت کرد؛ اما این رویه در میان اختلاف وی باقی نماند. در حقیقت، جانشینان لنین به تدریج رفتاری متفاوت را در پیش گرفتند و دفاع از مرز و خاک شوروی را به‌عنوان مدینه فاضله نظام کمونیستی، مقدم بر صدور انقلاب و آرمان جهانی کمونیستی مورد تأکید قرار دادند. سیاست‌های خاص استالین در زمینه تقویت قدرت بزرگ نظامی شوروی، باعث شد که در مقطع آغاز جنگ جهانی دوم، این کشور به قدرت بزرگ نظامی تبدیل شود. این فرآیند تأکید افراطی بر ابعاد نظامی امنیت، بعد از جنگ جهانی دوم، در دوران زمامداران بعدی

1. Berest -Litovsk

این کشور نیز کماکان مورد توجه کرملین بود. «دهه هشتاد، مصادف با شکل‌گیری تدریجی این تفکر در میان حکام این کشور بود که دستیابی به حد مطلوبی از تفکر نوین سیاسی در صحنه جهان خارج می‌باشد» (احمدی، ۱۳۷۹: ۸۴). این نگرش جدید به مسئله امنیت، با روی کار آمدن گورباچف به‌عنوان نماینده نسل جدیدی از رهبریت کرملین، از شدت و قابلیت‌های خاص برخوردار شد. عناصر اصلی نگرش مذکور که به‌عنوان «دکترین جدید امنیت ملی شوروی» مورد اشاره قرار گرفته است، شامل امنیت همه‌جانبه، ترک سیاست برخورد از موضع قدرت و توجه به بازسازی اقتصادی (پروسترویکا) و فضای باز سیاسی است (استیل، ۱۳۶۷: ۷۳).

### دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کشورهای جهان سوم

اساساً عمده نظریه‌پردازان جهان سومی در حوزه مطالعات امنیتی در زمینه شاخص‌های امنیت ملی این کشورها، پی‌جویی ویژگی‌های خاص این قبیل کشورها را تأکید می‌نمایند. از جمله می‌توان دیدگاه‌های محمد ایوب<sup>۱</sup> (۱۹۹۵ م) نظریه‌پرداز و نویسنده پاکستانی الاصل را در زمینه شاخص‌های امنیت ملی کشورهای جهان سوم این‌گونه دسته‌بندی نمود:

مفهوم غربی امنیت بیانگر نیازهای امنیتی دنیای غرب است که چندان ارتباط محتوایی با ویژگی‌های امنیتی جهان سوم ندارد و از همین رو فاقد قابلیت‌های لازم برای تحمیل بر جهان سوم است.

تهدیدهای امنیتی جهان سوم به‌طور عمده پدیده‌ای درون‌زاست و این بدان معناست که ریشه بسیاری از این قبیل تهدیدات در عوامل و شرایط درونی این کشورها نهفته است. منظور از تهدید امنیتی آن است که به‌طور بالقوه از توانایی لازم برای تضعیف ساختار دولت از ابعاد سرزمینی «تمامیت ارضی» یا نهادی «ارکان دولت» و یا رژیم حاکم «کل رژیم سیاسی» برخوردار باشد. بدین ترتیب تهدیدی امنیتی محسوب می‌شود که به‌طور کلی در پی آسیب‌رسانی به مقوله بقای دولت باشد. بسیاری از بحران‌های امنیتی داخل در درون

این کشورها به دلیل شرایط خاص حاکم بر کشورهای جهان سوم به سهولت به سطح خارجی؛ یعنی روابط بین منطقه‌ای این کشورها تسری می‌یابد.

ضمن تأکید بر وجود بحران‌های امنیتی در سطح منطقه‌ای بین کشورهای جهان سوم نباید از آن دسته بحران‌هایی که به دلیل تأثیرگذاری قدرت‌های بزرگ برای این کشورها پیش می‌آورند غافل ماند.

«یزید سائق» یکی دیگر از نظریه‌پردازان جهان سوم است که در بررسی مسائل امنیتی این کشورها چارچوب ارتباط متقابل میان بحران‌های درونی و فرآیند تأثیرگذاری قدرت‌های سلطه‌گر خارجی را مورد توجه قرار می‌دهد. بر این اساس توجه اصلی در ملاحظات امنیتی این کشورها باید به درون جوامع آن‌ها باشد، در عین حالی که نایستی نسبت به جایگاه این کشورها در ارتباط با نظام بین‌الملل بی‌تفاوت بود (سائق، ۱۳۷۷: ۸۳).

### رویکردهای مدرن

در مباحث نوین امنیت ملی اعتقاد بر این اساس است که یک پارادایم به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی همه تحلیل‌ها شود و پارادایم‌های گوناگون فقط وجوهی از مسئله را مورد توجه قرار می‌دهند و از سایر ابعاد غافل می‌مانند. همان‌گونه که بیان شد، هر یک از رویکردها از منظری خاص به تحلیل جهان و نظم آن پرداخته‌اند. پوزیتیویسم به‌عنوان یک رویکرد نوین، روشی در شناخت بر اساس تجارب حسی است.

### الف) پوزیتیویسم

«خلاصه و به بیانی ساده، اثبات‌گرایی معتقد است که دانش تنها از طریق تجربه حسی به دست می‌آید، حقایق و ایده‌های پیچیده در مورد دنیا از اختلاط نظرات ساده‌تر به دست آمده‌اند. پس مسائل پیچیده در نهایت می‌توانند به اجزای ایده‌های ساده‌تر که از طریق تجارب حسی کسب شده‌اند، بازگشت نمایند. پوزیتیویسم می‌پندارد که پدیده‌های امنیتی و بین‌المللی بر پایه‌های مادی استوار بوده و نیاز به تفاسیر مادی دارند. امنیت را عینی و قابل کشف و با روش‌های عقلانی و با تجربه قابل تفسیر می‌دانند» (ربیعی، ۱۳۸۴: ۸۵).

## ب) فراپوزیتیویسم

فراپوزیتیویست‌ها استدلال می‌کنند که هیچ واقعیت عینی‌ای وجود ندارد که ما بتوانیم از طریق عقل آن را کشف کنیم. در واقع، آن حقیقت خارجی همان کارکرد و نتیجه دانش ما از جهان است و این دانش (آگاهی) بر پایه‌های اجتماعی و جامعه‌شناختی بنا شده است. آن‌ها معتقدند: نظریه‌ها در واقع مهم‌ترین اجزای ساخت اجتماعی واقعیت هستند، چراکه نظریه‌ها نقش مهمی را در اینکه ما چگونه جهان اطراف خود را بشناسیم، ایفا می‌کنند و نظریه‌ها جایگاه مهمی در اینکه ما چگونه آگاهی و دانش را تعریف می‌کنیم، دارند. فراپوزیتیویست‌ها استدلال می‌کنند که تأکید پوزیتیویست‌ها بر روی واقعیت عینی خارجی، موجب ناشناخته و مخفی ماندن روابط اجتماعی و قدرت که به نوبه خود ساختارها را تشکیل می‌دهند، می‌گردد.

نگرش‌های فراپوزیتیویسمی، بر روی ماهیت اجتماعی، آگاهی و لزوم شفاف‌سازی ساختارهای قدرت و سلطه که از طریق این آگاهی ایجاد می‌شوند، تمرکز دارد. بحث آغازین آن‌ها مربوط به متدولوژی است، در حالی که نگرش پوزیتیویسمی بحث آغازین مربوط به شناسایی یک عامل خای یا یک چالش تجربی است. رویکردهایی که به‌طور مشخص به‌عنوان معرف‌های پست‌پوزیتیویسم شناخته می‌شوند، عبارت‌اند از: واقع‌گرایی علمی، هرمنوتیک، تئوری انتقادی، رویکرد فمینیستی، پست‌مدرنیسم و «امنیت زیستی» (ربیع، ۱۳۸۴: ۵۹).

## پ) پست‌مدرنیسم

در حالی که علمای مدرنیست (از جمله ساختارگرایان) امنیت را منتسب به پدیده‌ای از پیش موجود و دشمنانش می‌دانند. دانشمندان پست‌مدرن این ترتیب را معکوس می‌کنند و مدعی‌اند که امنیت، این پدیده‌ها را تولید می‌کند. بازتعریف امنیت، مستلزم بازتعریف امر سیاسی و سپس دولت خواهد بود، زیرا امنیت نسخه‌ای است که مطابق آن امر سیاسی در دولت نهادینه می‌شود (یعنی عمل می‌کند)، بنابراین بازنویسی امنیت موجب تغییرات در

ساختار و سازمان پدیده‌های متشکل آن می‌شود. نقش پر بار امنیت در مقابل دولت همان چیزی است که از حوزه نظریه‌های مدرنیستی روابط بین‌الملل گریخته و در کانون مباحث رویکردهای پست‌مدرن قرار گرفته است. موضوع هویت از جمله مسائل مورد بحث در این رویکرد می‌باشد. «تعقیب امنیت مدرنیستی در دوره پست‌مدرن، تعداد فزاینده‌ای از افراد را در معرض ناامنی وجودی قرار می‌دهد. شاید شگفت‌آورترین نمونه ناامنی، ناشی از تعقیب امنیت ملی در بوسنی روی داده باشد که در آنجا اهالی مسلمان به وسیله حکومت صربی به‌عنوان بیگانه بازتعریف شدند و مورد پاک‌سازی قومی قرار گرفتند».

### ت) نظریه ساختارگرایانه

«مکتب ساختارگرا» با تمامی مکاتب پیشین متفاوت است. این مکتب برای نخستین بار در آثار نویسندگان انگلیسی‌زبان (موسوم به مکتب انگلیسی) حوزه روابط بین‌الملل پدیدار گشت. به نظر آدلر این دیدگاه معتقد است که جهان مادی هم به عمل انسان و نحوه تعاملات ایشان شکل و صورت می‌دهد و هم صورت جهان مادی از ناحیه عمل انسان و تعاملاتشان شکل می‌گیرد. ساختارگرایان، اول، ضرورت وجود یک تهدید عینی را گردن می‌نهند. دوم، معتقدند که بنیاد ائتلاف‌ها را ارزش‌های مشترک شکل می‌دهد، از این رو آنچه استمرار یا زوال یک سازمان امنیتی را می‌رساند، وجود و یا عدم وجود ارزش‌های مشترک است و سوم، تأکید دارند که سازمان‌های امنیتی که بر پایه ارزش‌های مشترک شکل گرفته‌اند، در مقابل تحولات سیاسی مقاوم هستند» (ربیعی، ۱۳۸۴: ۶۹).

### ث) رویکرد فمینیستی

«واضعین این رویکرد معتقدند: جنسیت در مطالعات امنیتی مغفول مانده و وارد کردن هویت جنسی تأثیر جدی بر نتایج مطالعات امنیتی خواهد داشت. فمینیست‌ها در نفی مردمحوری در مطالعات امنیتی، خواهان بازتفسیر این متون و ایجاد ساختارهای امنیتی جدید هستند که نقش زنان نیز در آن‌ها مشخص شده باشد. مطالعات فمینیستی امنیت را

می‌توان در چهار موضوع اصلی مشاهده کرد: اول، نگاهی به سهم کلی که تحلیل مربوط به تساوی حقوق زنان با مردان می‌تواند ایجاد کند. دوم، نیاز به تحلیل مربوط به «جنسیت - آگاهی». سوم، نگرانی‌های امنیتی به خصوص فمینیستی زنان با مردان و سرانجام فهم فمینیستی از مطالعات مربوط به امنیت» (همان: ۷۱).

### ج) رویکرد اخلاقی به امنیت ملی

«سابقه‌ای از دلایل اخلاقی بر رفتارهای رهبران سیاسی و عملکرد آن‌ها قابل مشاهده است. نمونه اخیر آن را می‌توان در آموزه‌های امام خمینی (رحمه الله علیه) اشاره نمود. بدیهی است رویکرد اخلاقی امنیت ملی محدودیت‌هایی را برای رفتارهای حکومتی و اخلاقیات حکمرانی که نوعاً دارای دو نقش می‌باشند، به وجود خواهد آورد. نخست اینکه، برای منافع ملی محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کنند، سپس حقوقی را برای حاکمیت (بر سر قدرت در حال حاضر) و ماهیت وجودی آن قائل می‌شود».

### روش تحقیق

روش استفاده‌شده در این تحقیق تلفیقی<sup>۱</sup> است. به این معنا که برای طراحی مدل مفهومی، ضمن بهره‌جستن از نظریه‌های داخلی و خارجی، از روش بحث گروهی متمرکز که روشی کیفی است، استفاده شده است. در گام بعد، برای آزمون مدل طراحی‌شده، از روش دلفی (با حجم نمونه ۳۵ نفر از صاحب‌نظران حوزه آمایش و امنیت عمومی) و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده به کمک نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

### جامعه آماری تحقیق (ویژگی‌ها و حجم)

جامعه آماری این پژوهش، کلیه متخصصان و صاحب‌نظران حوزه امنیت عمومی و آمایش سرزمینی در سراسر کشور می‌باشند که به لحاظ گسترده بودن و عدم وجود آمار مشخصی از افراد مذکور، ذکر فراوانی آن‌ها مقدور نیست.

## حجم نمونه آماری و روش نمونه گیری

با توجه به آنکه روش نمونه گیری در مطالعات دلفی غیر تصادفی است و اعضا بر اساس معیارهای متناسب با موضوع تحقیق انتخاب می شوند، در این پژوهش نیز با در نظر گرفتن حوزه مورد مطالعه و هدف پژوهش، برای انتخاب اعضای دلفی، دو معیار در نظر گرفته شده است تا اعضای مورد نظر در صورت دارا بودن حداقل یکی از این دو شرط، در فهرست متخصصان و پاسخگویان در گروه پژوهش قرار گیرند. معیارهای انتخاب اعضا عبارتند از:

- ۱- اعضای هیئت علمی دانشگاه با تخصص مرتبط و دارا بودن حداقل یک مقاله پژوهشی و یا تألیف و ترجمه در موضوع مرتبط با پژوهش.
  - ۲- دارا بودن سابقه کار کارشناسی یا فرماندهی مرتبط با موضوع پژوهش.
- در این پژوهش تلاش می شود، اعضای واجد شرایط پاسخگویی و همکاری، از میان اساتید دانشگاهی به ویژه نظامی و انتظامی و همچنین فرماندهان انتظامی با داشتن سابقه فعالیت های علمی در حوزه مرتبط با این پژوهش استفاده شود. همچنین با توجه به بررسی سوابق مطالعات انجام شده با روش دلفی، حجم نمونه معمولاً بین ۱۵ تا ۳۵ نفر در نظر گرفته می شود. در این مطالعه نیز با در نظر گرفتن احتمال انصراف و کناره گیری اعضای دلفی، ۳۵ نفر واجد شرایط در نظر گرفته خواهد شد. این افراد با روش نمونه گیری غیر احتمالی و به صورت گلوله برفی یا قضاوتی انتخاب خواهند شد.

## روش های تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب پیرسون و برای پذیرش مهم ترین و قوی ترین معیارها و شاخص ها از میانگین کل نمرات حاصل شده، به منظور خط برش نهایی استفاده خواهد شد.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه دلفی با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت به روش زیر عمل شده است:

- ۱- پس از ورود داده‌ها به نرم‌افزار، میانگین و انحراف معیار هر یک از آن‌ها محاسبه شد.
- ۲- کلیه شاخص‌ها با میانگین بالاتر از  $3/5$  به‌عنوان شاخص‌های مطلوب و کمتر از آن به‌عنوان شاخص نامطلوب نام‌گذاری شد.
- ۳- شاخص‌های نامطلوب از دور بعدی پرسشنامه حذف شدند.
- ۴- افرادی که به شاخص‌های مطلوب، در حد میانگین و کمتر از میانگین طیف (عدد ۳) نمره داده بودند، شناسایی و مجدد پرسشنامه توسط آن‌ها تکمیل گردید.

## نتایج حاصل از گردآوری داده‌ها

از بین چهار بعد احصاشده مرتبط به امنیت آمایش عمومی، بالاترین میانگین به‌دست‌آمده به ترتیب مربوط به بعد فعالیت با میانگین  $4/16$  از ۵ نمره، سپس بعد اجتماعی با میانگین  $4/13$ ، بعد امنیتی با میانگین  $4/12$  و در آخر بعد جغرافیایی با میانگین  $4/02$  بوده است. توجه به این نکته ضروری است که اگرچه انتظار می‌رفت بعد امنیتی بالاترین میانگین را کسب نماید، اما همان‌طور که ملاحظه شد، بعد اجتماعی امتیاز بالاتری را در آمایش امنیت عمومی به دست آورد. بدین معنی که کارشناسان و صاحب‌نظران بر این اعتقاد بودند که در مقایسه با عوامل امنیتی، عوامل اجتماعی بر آمایش امنیت عمومی اثرگذارتر می‌باشد. بعد فعالیت که امتیازی بالاتر از اجتماعی را کسب کرده است نیز در کنار عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی را در خود جای داده است که به‌نوعی می‌توان آن را نیز با نگاه اجتماعی دنبال کرد. در نهایت نیز، این جغرافیا است که بر آمایش امنیت عمومی اثرگذار است.

در بین مؤلفه‌های مرتبط با بعد فعالیت نیز، بالاترین میانگین به ترتیب مربوط به مؤلفه مدیریتی ( $4/36$ )، مؤلفه اقتصادی ( $4/05$ ) و سپس مؤلفه علمی و فرهنگی ( $4/04$ ) می‌باشد. از جمله نکات حائز اهمیت در این نتایج این است که کارشناسان بر این اعتقاد بودند که

اگرچه اقتصاد و فرهنگ بر آمایش امنیت عمومی اثرگذار است، لیکن در صورت عدم وجود مدیریت صحیح، آن دو نیز شاید نتوانند کارایی مناسب خود را داشته باشند.

در بین مؤلفه‌های مرتبط با بعد اجتماعی، مؤلفه جمعی (۴/۲۲) امتیاز بالاتری نسبت به مؤلفه جمعیت و انسان (۴/۰۶) به دست آورد. در بعد امنیتی، بالاترین میانگین به دست آمده به ترتیب مربوط به مؤلفه عوامل سیاسی (۴/۲۱) و سپس مؤلفه عوامل انتظامی می‌باشد. در بعد جغرافیایی نیز، بنیادهای زیستی (۴/۰۵) میانگین بالاتری نسبت به موقعیت مکانی (۳/۹۵) به دست آوردند.

رتبه‌بندی شاخص‌های مرتبط با مؤلفه جمعیت و انسان به ترتیب شامل این موارد است: حرکات جمعیت (مهاجرت‌های شدید، مهاجرت جمعیت روستا به شهر و توسعه حاشیه‌نشینی)، ترکیب دینی و مذهبی، کیفیت جمعیت (جوان شدن جمعیت و دگرگونی نسلی)، ترکیب قومی و زبانی، تعداد اتباع خارجی غیرمجاز در کشور، تعداد جمعیت، الگوی پخش جمعیت، ترکیب جمعیت شهری و روستایی.

رتبه‌بندی شاخص‌های مرتبط با مؤلفه شاخص‌های جمعی نیز به ترتیب شامل رفاه اجتماعی (درآمد سرانه، وضع درمان، سطح برخورداری از مسکن، سطح برخورداری از آب بهداشتی)، سرمایه اجتماعی، وضعیت انضباط اجتماعی و قانون‌گرایی، هویت جمعی، نرخ آسیب‌های اجتماعی، افتخارات ملی می‌باشد.

رتبه‌بندی شاخص‌های مرتبط با مؤلفه عوامل انتظامی نیز به ترتیب شامل نرخ جرم و جنایت، منزلت و پایگاه اجتماعی مأموران پلیس در جامعه، وضع همسایگان (قوی، ضعیف، دوست، دشمن)، تعداد مراکز انتظامی و یگان‌های حفاظت (منابع طبیعی، محیط زیست، میراث فرهنگی و ...) نسبت به جمعیت و وسعت، میزان قاچاق مواد مخدر، تعداد زندانیان، میزان سلاح و مهمات کشف‌شده، تعداد رده‌های مقاومت بسیج، میزان نیروهای افتخاری پلیس.

رتبه‌بندی شاخص‌های مرتبط با مؤلفه عوامل سیاسی، شامل کارایی سازمان دولت، میزان مشروعیت حاکمیت، میزان یکپارچگی سیاسی، روابط فرهنگی و نفوذ فرهنگی و

ایدئولوژیک با همسایگان، نرخ مخالفت با احکام و قوانین، تعارض نخبگان رسمی در حوزه تصمیم‌گیری، میزان سطح کاربرد روش‌های سخت و فراقانونی در تأمین نظم و امنیت است.

همچنین رتبه‌بندی شاخص‌های مرتبط با مؤلفه بنیادهای زیستی شامل وضعیت منابع آب (آب سطحی، زیرزمینی، شبکه هیدروگرافی)، وضعیت آب‌وهوا (وضعیت اقلیم، خشک‌سالی، خشک‌سالی، ریزگردها و ...)، منابع طبیعی: منابع انرژی فسیلی و انرژی‌های غیر فسیلی و پایدار، وضعیت حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی می‌شود. رتبه‌بندی شاخص‌های مرتبط با مؤلفه موقعیت مکانی به ترتیب تأسیسات و زیرساخت‌های مجهز و توسعه‌یافته و وسعت سرزمینی را در برمی‌گیرد.

رتبه‌بندی شاخص‌های مرتبط با مؤلفه اقتصادی، شامل وضعیت بازار پولی و مالی (تورم شدید، رکود اقتصادی بالا، افزایش نرخ بهره)، نرخ بیکاری، نرخ فقر، امنیت سرمایه‌گذاری، سهم صادرات و واردات، میزان تولید ناخالص ملی، میزان سرمایه‌گذاری، وضعیت صنعت گردشگری است.

شاخص‌های مرتبط با مؤلفه فرهنگی و علمی نیز به ترتیب ایدئولوژی و اعتقادات، ایمان و ایثار ملی، ضریب نفوذ اینترنت، نرخ سواد رسانه‌ای، تعداد نهادها و شبکه‌های خبری و اطلاع‌رسانی، نرخ تحصیل‌کرده‌ها، میراث فرهنگی و تاریخ و بنیان‌های مشترک ملت و کشور را در برمی‌گیرد.

رتبه‌بندی شاخص‌های مرتبط با مؤلفه فرهنگی و علمی نیز به ترتیب شامل کیفیت فرماندهی (استراتژی، تاکتیک، تکنیک) در حوزه امنیت عمومی، انسجام مدیریتی در سازمان‌های متولی امنیت عمومی، کمیت و کیفیت نیروی انسانی در سازمان‌های متولی امنیت عمومی، کمیت و کیفیت تجهیزات، وسایل و تسلیحات متناسب با مأموریت‌ها در سازمان‌های متولی امنیت عمومی، وضعیت و میزان پشتیبانی و لجستیک در حوزه امنیت عمومی و متوسط کار مفید در نظام اداری می‌شود.

## پیشنهادها

- ۱- شایسته است در آمایش امنیت عمومی، بیشترین توجه به انتصاب مدیران باشد. در صورت عدم به‌کارگیری مدیران شایسته، منابع اقتصادی، اجتماعی، انتظامی و غیره به درستی مدیریت نشده و سیستم از کارایی لازم برخوردار نخواهد بود.
- ۲- با توجه به نقش مهم اقتصاد، این مفهوم به‌طور ویژه مورد توجه مسئولین محترم آمایشی و امنیتی قرار گیرد.
- ۳- مفاهیم اجتماعی شاید از جمله مفاهیمی باشند که بیشتر در سطح آکادمیک و نظری به آن‌ها توجه شده است. حال آنکه اهمیت آن در این پژوهش به‌وضوح به تصویر کشیده شد. در صورت غفلت از متغیرهایی همچون جمعیت، ترکیب قومی و زبانی، ترکیب دینی و مذهبی، رفاه و سرمایه اجتماعی، نرخ آسیب‌های اجتماعی و مفاهیمی از این قبیل، نباید انتظار داشت آمایش امنیت عمومی از اثرگذاری لازم برخوردار باشد.
- ۴- با تهیه ماتریسی از نتایج این تحقیق، نسبت به تعریف کارخواسته‌ای خاص و ویژه که شامل تک‌تک شاخص‌های این مدل می‌باشد، سهم و نقش هر سازمان و نهاد در برآورده کردن آن‌ها مشخص شود.
- ۵- با برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی خاص در سطح آکادمیک و در سطح دستگاه‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر، پیرامون هر یک از ابعاد احصاء‌شده بحث کارشناسی صورت گرفته و اصلاحات احتمالی اعمال شود.
- ۶- از نتایج این پژوهش در تدوین اسناد بالادستی در حوزه آمایش و امنیت عمومی استفاده شود.
- ۷- با توجه به‌تازگی موضوع این تحقیق، دانشگاه عالی دفاع ملی با برگزاری همایشی ملی، ضمن توسعه ادبیات نظری این عنوان، نسبت به گفتمان‌سازی آمایش امنیت عمومی در کشور اقدام نماید.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

۱. احمدی، حمید (۱۳۷۹)، قوم‌گرایی و امنیت ملی، انتشارات وزارت کشور.
۲. استیل، جاتان (۱۳۶۷)، سیاست خارجی شوروی در دوران برزنف، آندره پف و چرنینکو، ترجمه سعید میرزائی نیگچه، تهران.
۳. افروغ، عماد (۱۳۷۶)، امنیت ملی و بنیان‌های قدرت، مجموعه مقالات توسعه و امنیت جلد ۲، تهران، وزارت کشور.
۴. برژینسکی، زیگنیو (۱۳۶۹)، در جستجوی امنیت ملی، ترجمه ابراهیم خلیلی، تهران، نشر سفیر.
۵. دوثرتی، جیمز؛ فالتگراف، رابرت (۱۳۷۲)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران.
۶. ذوالفقاری؛ تشکری؛ مؤمنی؛ جعفری (۱۳۸۹)، راهبردهای ارتقای امنیت عمومی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۷. ربیعی، علی (۱۳۸۴)، تعامل توسعه‌یافتگی و امنیت ملی در کشورهای جهان سوم با تأکید بر کشورهای منتخب (رساله دکتری)، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۸. سائق، یزید (۱۳۷۷)، امنیت در کشورهای در حال توسعه، ترجمه م. ایمانی و ع. طیب، تهران، علمی و فرهنگی.
۹. سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۷۰)، تحول در مفهوم منافع ملی در «تحول مفاهیم»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۰. شفیعی، جمال (۱۳۸۵)، واکاوی امنیت اجتماعی، تهران، فصلنامه امنیت عمومی، ش ۱ (۹۲).
۱۱. عسکری، محمود، ارکان و الزامات دفاع شهری، فصلنامه بسیج، سال نهم، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۸۵، ص ۸۶.
۱۲. ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۳. محمودی، سید محمد (۱۳۸۸)، تحلیل بر تحولات کلان آمایش سرزمین فرانسه، مجله آمایش سرزمین، سال اول، شماره اول، ص ۱۴۱ - ۱۸۲.
۱۴. مرکز ملی آمایش سرزمین کشور (۱۳۸۵)، سومین نشست توجیهی، آموزش برنامه‌های آمایش استان‌ها، زاهدان، ۲۲ و ۲۳ شهریورماه.
۱۵. هاروی، دیوید (۱۳۸۷)، شهری شدن سرمایه، ترجمه عارف اقوامی مقدم، انتشارات آذرخش، تهران.
۱۶. هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۵)، کارآفرینی و توسعه اقتصادی، مجله توسعه اجتماعی، دوره اول، شماره ۲.

### ب. منابع لاتین

1. Castells, Manuel.2009. Communication Power; Oxford University Press; Oxford, UK.
2. The Fontana Dictionary of Modern Thought; Fontana: Collins, 1980.
3. Namara'R.S.CM(1968). The Essence Of Security. New york. Harper & Rom.

### ج. سایتها

4. <http://www.khamenei.ir>